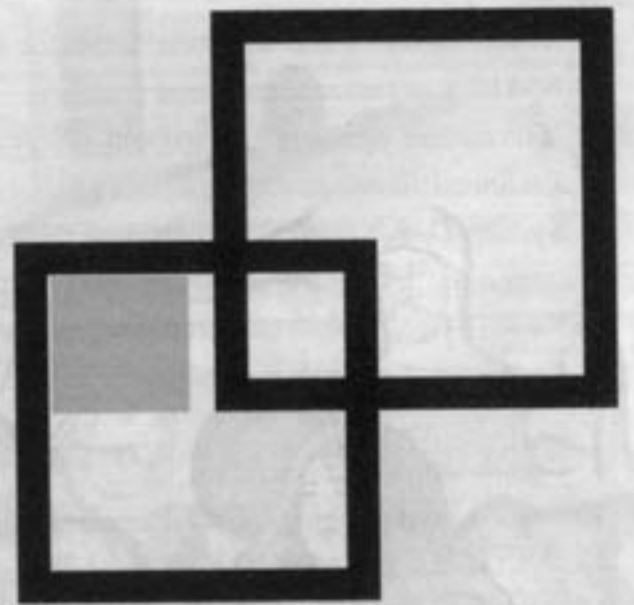


# درآمدی بر رویکرد

## اجتماعی قهوه‌خانه‌ها

علی فقیهی محمدی



یادی در میان نیاید و از منابع کم نظیری که دستمایه‌های این نوشتار شد، بی‌عنایتی حتی بر سبیل اجمال، به سهولت اما به سرعت بگذریم. اولین مجموعه مرتبط با این بحث، کتاب «قهوه‌خانه‌های ایران» به اهتمام علی بلوکباشی و مساعدت‌های دفتر پژوهش‌های فرهنگی در سال ۱۳۷۵ در تهران به زیور طبع آراسته شد. در مقدمه این کتاب دلیل جمع‌آوری این مجموعه چنین بیان گردیده است که: «... پرداختن به پژوهش درباره جامعه‌های سنتی شهری، روستایی و عشایری و شناخت ارزش‌های فرهنگی انسان‌ساز در این جامعه‌ها اهمیت فراوان دارد» در یادداشت نویسنده این کتاب، حاصل پژوهش‌های میدانی و کتابخانه‌ای گروهی از دانشوران در خصوص مردم و فرهنگ سرزمین ایزان معرفی شده است.

این کتاب با فصل‌های معماری، قهوه‌خانه‌های قدیم در چندنگاه، اسباب قهوه‌خانه‌ها، قهوه‌چی‌گری، قلیان‌داری، نقالی، نقاشی، لوطیان، پهلوانان، قهوه‌خانه‌های کنونی و... به تاریخچه، عملکرد، حواشی و هنرهای شکل و تکامل یافته در این مراکز پرداخته است. سبک نقاشی قهوه‌خانه‌ای، که شاید به نوعی تداوم نقاشی‌های روی کاشی‌های حمام‌های سنتی محسوب گردد، خود مبحث بسیار مهمی را طرح و ضرورت تحقیق‌ها و پژوهش‌های سبک‌شناسی، آسیب‌شناسی و... را توضیح می‌دهد. در این مقال و مجال بر آن نیستیم که به این مهم بپردازیم. و ناگزیر آن را به فرصتی مناسب‌تر و کوشش‌های صاحب‌نظرانی متخصص‌تر وا می‌نهمیم. تنها از باب پاسداشت امانت طرح این سبک و موضوع نقاشی‌های آن در این مقاله به تلاش‌های انجام یافته توسط آقای سیف در مجموعه‌های ارزشمند و کم‌نظیر «نقاشی روی کاشی» و «نقاشی‌های

تأثیرگذار و پاسدار ارزش‌های دینی و ملی تبدیل شد. قهوه‌خانه‌ها که در روزگاری نه چندان دور، در قالب مراکزی فرهنگی - مردمی، محل حماسه‌سرایی‌های نقالان، سخنوران و شاعران نامدار، ارائه هنرهای بی‌بدیل نقاشی و پرده‌سازی و معماری‌های باشکوه سنتی و نیز نمایش‌های (تئاترگونه روح‌وضی) شعبده‌بازی‌ها و تردستی‌های اهل فن، مسئولیت پاسداری از نمادهای فرهنگی و حماسه‌های ملی و مذهبی، تقویت روحیه، ایجاد انگیزه، تربیت و تعلیم درس‌های عملی جوانمردی و فتوت را پذیرفت و اوقات فراغت مردم خسته از تکرارهای روزمره را با داستان‌سرایی‌های نقالان شیرین کلام پر می‌کرد و ذهن‌ها و جان‌های خسته‌شان را به نسیم چشم‌نواز هنرهای تجسمی و بی‌بدیل آن روزگار می‌نواخت و قلب‌های مجروحشان را سرشار از غرور و پیشینه‌دار و روحیه‌ساز می‌ساخت و در واقع تمامی اینها در تداوم روش‌ها و هنجارهای پهلوانی مکان‌های ورزشی آن روزگار (زورخانه‌ها) و در کنار آنها قوام می‌گرفت و... امروز از آن دوران شکوهمند حرکت‌ساز و شوق‌انگیز اجتماعی این نهادهای مردمی، چه مانده است؟ این رشته محکم و ریشه‌دار در قشرهای مختلف اجتماعی، چگونه و چرا با پیوندهای هویت‌ساز گذشته و نسل‌های تاریخ‌ساز، فاصله گرفته است؟! این سوالات تأسف برانگیزی که ذهن نگارنده و شاید خواننده را نیز به ضرورت پژوهشی ژرف از منظر آسیب‌شناسی اجتماعی مؤلفه‌ها و نهادهای ریشه‌یافته در متن و بطن جامعه، واداشته است، در پی دریافت نوشته‌ای کوتاه از همکاری جوان و علاقمند، حاصل آمد و در پی این کنکاش ضروری برای پربارتر شدن نوشته مذکور، دریغم آمد که از زحمات عزیزان دیگری که در این عرصه به پژوهش پرداخته و آثاری ارزشمند خلق کرده‌اند،

در علم مدیریت، اصول و تئوری‌های مرتبط، نظریات مختلف، متنوع و متعددی - در سایه پژوهش‌های انجام شده - تبیین مراحل پیدایش سازمان‌ها، چگونگی و نحوه شکل‌گیری و خصوصیات متفاوت آنها ارائه گردیده است. از مهمترین آنها نظریه‌های سیستم‌های باز (در مقابل سیستم‌های بسته یا ایستا)، سازمان‌های ارگانیک (در قبال سازمان‌های مکانیکی و ماشینی) و فرایند چرخه حیات سازمان‌ها می‌باشد که مراحل مختلف حیات سازمان‌های (سیستم‌های) ارگانیک را به مثابه یک موجود زنده تبیین می‌کند. سازمان‌ها متولد می‌شوند (مرحله شکل‌گیری) رشد می‌کنند (مرحله توسعه و تکامل و تغییر و تحول) و... بعد می‌میرند (مرحله افول، تغییر هدف و...)

در بررسی محل پیدائی، نحوه شکل‌گیری، ابعاد وظیفه‌مندی اجتماعی، تحولات کاربردی و... پدیده‌ای بنام «قهوه‌خانه» در ایران، به وضوح تمامی این مراحل چرخه حیات را می‌توان دریافت. پدیده نظام‌مندی که در سیر تطوری جامعه‌شناختی چند سده اخیر کشور، از ضرورت‌ها و نیازهای ساده‌ای شکل گرفت، مراحل پیچیده جامعه‌پذیری را به سرعت طی کرد و در منتهی‌الیه سیر تکاملی خود به جایگاه بس رفیعی در انتقال ارزش‌ها، هنجارها و ریشه‌های تاریخی، قومی و حتی اسطوره‌ای ملتی کهن و ماندگار از زمانهای بس دور، دست یافت. گردانندگان این نهادهای مدنی که در تنظیم روابط اجتماعی، پاسداشت هویت ملی و فرهنگ غنی بر جای مانده در تمامی چالش‌های ناشی از تندباد حوادث تلخ، خونبار و تعیین‌کننده هجوم‌های رعدآسای اقوام، ملل، فرهنگ‌ها و... کارکردی چندگانه یافت و از موقعیت محفلی و محلی برای استراحت و رهائی از خستگی‌های روزمره، به مکتبی فراگیر،



قهوه‌خانه‌ای» اشاره می‌کنیم و به همین مناسبت مجموعه دوم را به دلیل ارتباط محتوایی یا بخش‌هایی از این نوشتار، معرفی می‌کنیم:

«نقاشی قهوه‌خانه‌ای» به کوشش آقای سیف و از سری انتشارات سازمان میراث فرهنگی در قطع رحلی بزرگ در سال ۱۳۶۹ و در تیراژ ۳۰۰۰ نسخه منتشر گردیده است، نویسنده در پیشگفتار کتاب از چگونگی پیدایش این هنر و هنرمندان بی‌ادعای این عرصه و ارتباط آنها با مردمی که شیفته اخلاق و مبانی جوانمردی و فرهنگ کهن خویش بودند... چنین آورده است:

«نقاشی قهوه‌خانه، بازتابی صادق و اصیل از هنر هنرمندان عاشق و تنها و دلسوخته است هنرمندانی مظلوم و محروم، از تبار مردم ساده‌دل و آینه‌صفت کوچک و بازار؛ آنانی که از پس قرن‌ها سکوت - زیر سقف نمور و تاریک قهوه‌خانه‌ها، در خلوت عارفانه تکیه‌ها و حسینه‌ها، در سر هر کوی و برزنی - چشم در چشم مردم دوختند و در محفل پر انس و الفت آنان، بغض معصومانه‌شان را با کشیدن نقاشی و نشانیدن رنگی - در دفاع از آبرو و اعتبار و اعتقادات و باورهای همین مردم - به یکباره شکستند، نقش‌ها زدند در ستایش راستی‌ها و مردانگی‌ها و فاش کشیدند حکایت کژی‌ها و پلیدی‌ها را، رنگ سرخی نشانند بر تن بوم و دیوار، که گویی لخته لخته خون‌های خشکیده مظلومیت‌های از یاد رفته بود...»

و در انتها بهانه این اقدام فرهنگی در خویش ستایش خود را چنین فاش می‌سازد که: «... تولد و تبلور هنر جمعی از نقاشان گمنام و بی‌ادعای کوچک و بازار تحت نام و عنوان شمایل‌نگاران و پرده‌کشان - چه بسا که بار دیگر به دلیل ضرورت ایستادگی در برابر دسایس فرهنگی و هنری بیگانگان - باید رویدادی جدی و کارساز قلمداد گردد...»

نویسنده در ابتدا از استاد حسین قوللر آقاسی مرشد و پیشکسوت همه نقاشان قهوه‌خانه‌ها، پیشرو و بدعت‌گذار مکتب نقاشی قهوه‌خانه‌ای می‌گوید و بعد، از استاد محمد مدبر شاگرد و همکار و همراه قوللر و سالهای آخر زندگی او و نیز روزهای آخرین عمر نقاش هنرمندی که در عین خلاقیت هنری، استعداد بی‌نظیر و نبوغ عاشقانه و عارفانه‌اش چنان از مال دنیا وارسته بود که در بخش‌های پایانی زندگیش هیچ نداشت

ایران»، «گرفتار شدن خاقان چین به کمند رستم»، «تفصیح گرفتن کیکاوس از سیاوش»، «رستم و سهراب»، «کشتن دیو سفید به دست رستم»، «کهلان و گیسبان بانو»، «بارگاه یوسف و زلیخا»، «به چاه انداختن یوسف»، «شکارگاه بهرام گور»، «لیلی و مجنون» و...

و از استاد محمد: «گودال قتلگاه»، «مصیبت کربلا»، «دارالانتقام مختار»، «عزیمت حضرت مسلم به کوفه»، «روز محشر»، «دربار ابن زیاد»، «عاشورا»، «روز محشر» «مجلس زلیخا»، «کشته شدن سیاوش ۵»، «بارگاه کیخسرو» و...

از استاد عباس بلوکیان: دارالانتقام مختار، جنگ خیبر، بارگاه کیخسرو، کشته شدن سهراب بدست رستم، بارگاه سلیمان؛

از استاد اسماعیل زاده (چلیپا): کشته شدن سیاوش، رزم رستم و اشکبوس؛

از فرزند استاد حسین (فتح‌الله قوللر): به چاه انداختن حضرت یوسف، جوانمرد قصاب، ملاقات حضرت یوسف، گلندام و بهرام گور، کشته شدن سیاوش؛

استاد حسین همدانی: پرده درویش، حضرت علی (ع)، یتیم‌نوازی حضرت علی (ع)، دوزن، از اساتید دیگری نیز در این مجموعه تابلوهایی آورده شده است.

جز پرده‌های نقاشی‌اش که ناتمام مانده بود و هیچکس هم یاریش نکرد جز خانواده و شاگرد همراهش. آخرین تصویری که قلم زد بر پشت نسخه پزشکی بالای سرش بوده با دست‌هایی لرزان و چشمانی بی‌فروغ، منظره‌ای چون بهشت پر از گل و درخت و آب و پرنده‌ای که در حال پرواز بود. و بعد که طرح تمام شد، خودش نیز به سرای باقی پر کشید. غروب غم‌انگیز یکی از روزهای آذر سال ۴۵: بیمارستان ارتش!

استاد محمد هم در همین ایام به جای نقاشی و پرده‌سازی، مقیم گورستان شده بود و برای مرده‌ها سنگ قبر می‌تراشید! (یا می‌کشید) توانست طاقت دوزی استاد حسین را تحمل کند؛ نیمه شب سرد زمستان سال ۴۶، تنها و خسته در کنج غربتی سنگین، بی‌یار و همراهی اما... با لبخندی پر لب از استاد حسین یادگاران ارزشمندی بر جای ماندند، بخصوص فتح‌اله پسرش که راه پدر را به زیبایی تداوم بخشید، اما استاد محمد به راستی کسی را نداشت و سال‌های آخر عمر را به سختی می‌گذراند و دریغ و افسوس که استاد هنر باشی و لنگه درد که تنهایی‌ات تابوت حمل جنازه‌ات باشد! افسوس!

بخش اصلی کتاب، تصاویر تابلوهای نفیس و یادگار این اساتید بی‌بدیل است، هر کدام با توضیحی یا اشاره به سبک استاد و... از استاد حسین تابلوهای: «مصیبت کربلا»، «بار یافتن حضرت مسلم خدمت امام حسین (ع)»، «حضرت علی علیه‌السلام و مالک ازدر»، «زهر خوردن حضرت موسی بن جعفر (ع)»، «یا سقای کربلا»، «نبرد رستم و اشکبوس»، «حرکت کیخسرو به

۱. مالک اشتر به همین نام در رقم تابلو آمده است.
۲. چند تابلو به این اسم در مجموعه قرار دارد.
۳. این تابلوها منسوب به استاد محمد مدبر است.
۴. این تابلوها منسوب به استاد محمد مدبر است.
۵. این تابلوها منسوب به استاد محمد مدبر است.